ISSN: 2717-2104 *Iranian Journal of Isaar Studies*
*2020;1(4):203-212.*

# Mystical Themes and Mystical Manifestation in the Wills of the Martyrs of the Holy Defense

**ARTICLE INFO**

***Article Type***
Analytical Review

***Authors***
Daraei Aslani A.H.* *MSc*

**How to cite this article**
Daraei Aslani A.H. Mystical Themes and Mystical Manifestation in the Wills of the Martyrs of the Holy Defense. Iranian Journal of Isaar Studies.2020;1(4):203-212.

*Persian Language & Literature Department, Literature & Humanities Faculty University of Applied Science & Technology, Khorramabad, Iran

***Correspondence***
*Address*: No. 35, Ghalam-2 Alley, Farhang Avenue, Ayatollah Boroujerdi Street, Alastar, Lorestan, Iran. Postal Code: 6891664891.
*Phone*: +98 (66) 32525388
*Fax*: +98 (66) 33351478
daraeiaslani48@gmail.com

***Article History***
Received: December 04, 2018
Accepted: June 17, 2019
ePublished: December 20, 2020

**ABSTRACT**

**Introduction** One of the beautiful and attractive aspects of the mystical and divine messages of the martyrs' will is to convey the educational and moral messages to the younger generation and to become acquainted with the maker goals of the martyrs. The purpose of this study was to investigate the mystical themes and concepts in the wills of the martyrs of the holy defense. The research method in collecting information was a library which was organized through careful study of the precious written heritage of martyrs of different provinces. Martyrs' wills were collected, studied, and classified, regardless of age, position, responsibility, and location.

**Conclusion** Most dear martyrs with various educational backgrounds have reflected mystical topics, concepts, and prayers in their wills amazingly. Prophetic leadership of Imam and the sincereness of warriors in the mystical and ethical dimensions led them to pure Islamic mysticism, but what makes the role of martyrs more prominent and brilliant is the lack of fear of death, counting the moments for joining God and other divine and spiritual values; as in the writing of the wills, the truth of the mysticism and presence of God is evident throughout the lives of the martyrs, insofar as their warfare and death take on a divine color.

**Keywords** Mysticism; Martyrs; Imam; Wills

**CITATION LINKS**

[1] The full will of the martyrs; Lorestan Province [2] The full will of the martyrs; Semnan Province [3] The Biography and the will of Lorestan education martyrs [4] The full will of the martyrs; Kurdistan Province [5] The spiritual and cultural factors of holy defense [6] In search of Islamic Sufism [7] Imam Sahifah: a collection of works (statements, messages, interviews, sentences, prayers, and letters) [8] Mystical wisdom; interpretation of mysticism by Professor Seyyed Yadollah Yazdanpanah [9] An introduction to true mysticism and false mysticism [10] Politics in association with mysticism [11] A journey in the mystical path of Imam Khomeini [12] A glance at spiritual journey of the mistics [13] Imam Sahifah: a collection of works (statements, messages, interviews, sentences, prayers, and letters) [14] Alchemy of happiness written by Imam Mohammad Ghazali [15] A literal and mystical study of the will of 40 martyrs of holy defense

*Copyright© 2020, ASP Ins. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.*

# مضامین عرفانی و جلوه‌های عارفانه در وصایای شهدای دفاع مقدس

**علی‌همت دارایی اصلانی MSc**
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه علمی- کاربردی، خرم آباد، ایران

**چکیده**
**مقدمه:** یکی از ابعاد زیبا و جذاب پیام‌های عرفانی و الهی وصیت‌نامه شهدا، انتقال پیام‌های تربیتی و اخلاقی به نسل جوان و آشنایی با آرمان‌های سازنده شهدا است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مضامین و مفاهیم عرفانی و به‌کارگیری نمودهای آن در وصایای شهدای دفاع مقدس انجام شد. روش تحقیق در مرحله گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بود که به شیوه مطالعه دقیق و با مراجعه به میراث گرانبهای مکتوب وصیت‌نامه شهدای استان‌های مختلف سامان یافت. وصایای شهدا فارغ از سن، مقام، مسئولیت، مکان و محل اعزام، جمع‌آوری، مطالعه و دسته‌بندی شد.
**نتیجه‌گیری:** اغلب شهدای عزیز با سطوح تحصیلی مختلف، موضوعات، مفاهیم، مناجات‌ها و دل‌نوشته‌های عارفانه را در وصیت‌نامه‌های خود به گونه‌ای شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور منعکس کرده‌اند. رهبری پیامبرگونه حضرت امام راحل و اخلاص رزمندگان در بعد عرفانی و اخلاقی آنان را به سمت عرفان ناب اسلامی کشاند؛ اما آنچه نقش شهدا را برجسته و درخشان‌تر می‌کند، نداشتن هراس از مرگ، لحظه‌شماری برای وصال یار و دیگر ارزش‌های الهی و فضایل معنوی آنان است، به‌طوری که در نگارش وصیت‌نامه‌ها، حقیقت عرفان جاری و حضور خدا در سراسر زندگی شهیدان مشهود است؛ تا آنجا که رزم و مرگشان رنگ الهی به خود می‌گیرد و عاشقانه و عارفانه به سوی معبود خویش پر می‌کشند.
**کلیدواژه‌ها:** عرفان، شهدا، امام، وصیت‌نامه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۷
*نویسنده مسئول: daraeiaslani48@gmail.com

## مقدمه

دوران پرفراز و نشیب دفاع مقدس، رویدادهای بزرگی را در خود جای داده بود. حضور داوطلبانه همه اقشار مردم در جبهه‌های جنگ تحمیلی و روی‌آوری جوانان به معنویت و شهادت‌طلبی، به رهبری عارف مجاهد، حضرت امام‌خمینی(ره)، نقش بسیار موثری در تقویت ارزش‌های معنوی داشت؛ به‌طوری که نتیجه این تفکرات، عرفانی بود که تحولات الهی و معجزه‌آسایی در بین رزمندگان به‌ویژه جوانان شجاع پدید آورد و آنان را در آرزوی شهادت و نیل به لقاءالله با شور و شوق تمام روانه جبهه‌های جنگ می‌کرد.
یکی از حیرت‌انگیزترین یا به عبارتی بهتر، نعمت‌های دوران دفاع مقدس، پیدایی مردان بزرگی بود که تاریخ کهن این مرز و بوم کمتر به خود دیده بود؛ شیرمردانی که شگفت‌انگیزترین فداکاری‌ها و رشادت‌ها را در برهه‌ای حساس از تاریخ به نمایش گذاشتند.
وصیت‌نامه‌های برجای‌مانده از شهیدان دوران حماسه و ایثار یکی از منابع اصلی معرفت‌شناسی یادگارها و آثار به ظاهر دنیوی شهدا است. دل‌نوشته‌هایی که به‌طور مستقیم از اعماق جان و ایمان خالصانه آنان برآمده است، اگرچه کلمات و جمله‌هایشان در قالب پاره‌ای کاغذ بیان شده، اما این جمله‌ها و کلمه‌ها به گوهری گرانبها و اکسیری بدل شده‌اند که از لابه‌لای آنها می‌توان به نگرش‌ها، اندیشه‌ها و دغدغه‌هایشان در باب مسایل فردی و اجتماعی پی برد. پیام‌هایی که در نگاه اول ظاهری ساده و بی‌پیرایش دارند، ولی با اندکی اندیشه و درنگ می‌توان به روح بلند آسمانی نویسنده و ژرفای معنوی مطالب آنها رسید. بنابراین وصیت‌نامه شهدا به‌عنوان منبعی عرفانی از خاک‌نشینان افلاکی است که فراتر از یک دست‌نوشته عادی به شمار می‌آیند. متن‌هایی که نشانگر ذوب‌شدن آنان در وجود حق، انتخاب راه و مسیری آگاهانه و داشتن بصیرت دینی و اجتماعی بسیار زیبای آنان بود.
وصیت‌نامه شهدا گنجینه‌ای ارزشمند و بی‌نظیر درباره موضوعات مختلف است. از این رو ضرورت دارد دل‌نوشته، افکار و ایده‌های آن بزرگان راه حق و حقیقت، درباره موضوعات مختلف مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.
یکی از بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین وجهه رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل و شهدای عزیز که نوع نگاه آنان را به زندگی رقم می‌زند، عرفان و معنویت آنان است.
بنیانگذار انقلاب درباره وصایای شهدا می‌فرمایند: "من هنگامی که وصیت‌نامه انسان‌ساز شهیدی را می‌بینم، احساس حقارت و زبونی می‌کنم. ایشان سند ایمان و تعهدشان را به اسلام در دست دارند". در جایی دیگر می‌فرمایند: "من شرمم می‌آید خود را در مقابل این عزیزان سرشار از ایمان و عشق و فداکاری به حساب آورم".
به قول رهبر فرزانه انقلاب گنجینه‌های ناتمام دفاع مقدس باید استخراج و شناسانده شوند. منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست.
بنابراین حالات عرفانی و ملکوتی شهدا، حاکی از این است که سربازان مخلص خمینی کبیر علاوه بر نثارکردن بزرگ‌ترین متاع زندگی یعنی جانشان در راه ارزش‌های اسلام و انقلاب، به امید وصال حضرت حق پای در عرصه جهاد و شهادت گذاشتند.
دل‌نوشته‌های شهدا حاوی درون‌مایه‌های گوناگونی است که شایسته پژوهش‌های بنیادی است و یکی از محورهای مهم آن پرداختن به جنبه‌های عرفانی است. لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی مضامین عرفانی و جلوه‌های عارفانه در وصایای شهدای دفاع مقدس بود.
روش تحقیق در این پژوهش در مرحله گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی و فیش‌برداری بود که بر مبنای موضوع انتخابی، به شیوه توصیفی- تحلیلی سامان یافت. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات بهترین راه، مراجعه به میراث مکتوب یعنی وصایای به‌جای‌مانده از شهدای سالک الی الله بود.
برای انجام این مهم، مراجعه مستقیم و مطالعه وصیت‌نامه‌ها بدون درنظرگرفتن سن، محل اعزام به جبهه، نوع عضویت و سطح معلومات کلاسیک در مقطع زمانی هشت سال دفاع مقدس به‌دقت انجام گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل و دریافت و فهم مقصود و منظور عارفانه شهدای گرانقدر، مطالعه و کنکاش در کتب عرفان اسلامی برای دستیابی به موضوعات ثبت‌شده در این دست‌نوشته‌های ماندگار احساس می‌شد. بنابراین روش در این مرحله تحلیلی- توصیفی بود. سپس براساس منابع معتبر، مفاهیم و اصطلاحات عرفانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در ادامه، مقامات و حالات در سیر و سلوک عرفانی، موضوع عشق در عرفان و مقام عرفانی حضرت امام(ره) به‌عنوان الگوی راستین شهدا تبیین شد. پس از آن نکات عرفانی از بین وصیت‌نامه‌ای شهدا جمع‌آوری و دسته‌بندی و برای هر کدام از حالات و مقامات عرفانی مصادیقی ذکر شد.
با توجه به حجم گسترده وصایای شهدای دفاع مقدس، در این پژوهش بیشترین استفاده از وصیت‌نامه‌های مکتوب منتشرشده بنیاد شهید و ایثارگران کشور تحت عنوان "وصیت‌نامه کامل شهدا" از استان‌های کردستان، لرستان، سمنان و تهران که برای هر استان به‌طور جداگانه چاپ شده، استفاده شد[1-5]. از آنجا که شهدا متعلق به همه این مرز و بوم هستند، در نگارش نمونه وصیت‌ها به محل سکونتشان اشاره‌ای نشده است.

**عارف و عارفان حقیقی**

استاد *مصباح یزدی* با تعبیری بسیار زیبا در مقام عرفانی رزمندگان و شهدا می‌نویسد: "عارف واقعی نیاز به هیاهو و بوق و کرنا ندارد. او اهل تظاهر و در پی آن نیست که به هر بهانه‌ای به همه دنیا بفهماند که من خدا را شناخته‌ام و به مقام عرفان رسیده‌ام. عارف‌بودن نیاز به شکل و شمایل و لباس و سر و وضع خاص ندارد و در هر لباسی ممکن است باشد. امکان دارد پینه‌دوزی در محله و شهر شما باشد که هیچ ادعایی ندارد و شما هم او را نشناسید، ولی از اولیای خدا و مقربان خاص درگاه الهی باشد. در جبهه‌های دفاع مقدس و در میان رزمندگان و شهدای ما عارفان بلندمرتبه‌ای بودند که کسانی که شصت سال ریاضت کشیدند و عبادت کردند به آن مقام نرسیدند. آنان ره صدساله را یک‌شبه پیمودند؛ هنیاً لهم؛ و گوارایشان باد. عرفان را باید در اعمال و رفتار و منش و روش اشخاص جست‌وجو کرد، نه در حرف‌ها و سخنان زیبا و ادعاهایی که گوش فلک را کر می‌کند"[6].

عارف واقعی کسی است که جز خدا هیچ چیز برایش مهم نیست و از این رو تلی از خاکستر با گنجینه‌ای از جواهرات باارزش، پیش چشمش مساوی است و ارزشی ندارد. او تنها از خدا خوف دارد و پیوسته توجهش به خداست و همواره مراقب است که هیچ قدمی برخلاف خواست و رضایت خدای متعال برندارد. عارف حقیقی بی‌ادعاست. چنانکه مولانا می‌گوید:

هر که را اسرار حق آموختند  مُهر کردند و دهانش دوختند

عارف حقیقی به مرحله‌ای از شناخت می‌رسد که همواره به یاد خداست و به هیچ چیزی غیر از خداوند قادر انس و علاقه‌ای ندارد.

مجاهد عارف حضرت امام‌خمینی(ره) در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه سراسر کشور درباره معنویت رزمندگان در جبهه‌های جنگ می‌فرماید: "شما بروید ببینید این سنگرها را، ببینید مساجد است این سنگرها، این سنگرها مراکز عرفان است، مراکز توحید است و در این مراکز که شب آن طور مشغول هستند، روز هم آن طور فداکاری می‌کنند"[7].

یکی از زیباترین تعاریفی که امام راحل از سیر و سلوک عرفانی ارایه می‌دهند، خروج از قفس نفس و هجرت به سوی الله است. این هجرت هم از نظر درونی و هم بیرونی بیش از همه در میدان‌های جنگ و سنگرهای جهاد- که به تعبیر امام(ره)، مراکز عرفان و توحیدند- اتفاق می‌افتد.

**مفهوم عشق در عرفان**

با آن که عشق، از عناصر عمده و اساسی بینش و حرکات عرفانی است، ولی عرفا در تعریف آن اظهار ناتوانی می‌کنند و معتقدند هر کس که عشق را تعریف کند، آن را نشناخته است.

یکی از بنیادی‌ترین مسایل در حیطه عرفان و تصوف، موضوع عشق است. عرفا معتقدند که مفهوم عشق از مفاهیمی است که قابل شناخت و معرفت نیست. "مما یدرک و لایوصف"؛ یعنی هر کسی می‌تواند آن را درک و احساس کند، اما از تعریف و توصیف آن عاجز است. این که اساس جهان‌بینی تصوف و عرفان بر پایه عشق و محبت برپاست، به‌خاطر اعتقاد آنان به "وحدت وجود" است. در این صورت به همه موجودات این عالم عشق می‌ورزد و همه چیز را دوست دارد ولو به‌ظاهر ناخوشایند و غمناک باشد. همه چیز در نزد او زیبا و خیر است. لذا یک عشق ماندگار و همیشگی و عمیق است.

عشق عارف، عشق انسان تنها و غریبی است که از وطن اصلی و آشنایش جدا مانده و دور شده، شب و روز بی‌صبرانه از فراق آن می‌سوزد و اشتیاق وصل دارد.

یکی از آثار شگفت‌انگیز عشق، تحول در اخلاق و رفتار آدمی است. در امر عقیده و مرام نیز عشق شورآفرینی بسیار داشته است؛ چه بسیار انسان‌هایی که به عشق مکتب و عقیده‌شان ایثارها نموده و نامشان را در تاریخ ثبت کرده‌اند.

عشق حقیقی باعث دل‌کندن از علایق مختلف و توجه به معشوق حقیقی می‌شود و زمینه توجه به یک معشوق عالی را آماده می‌سازد[8].

*شهید غلامرضا یغمایی*:

گویند شباهت به جنون دارد عشق
نه بلکه هم از عقل فزون دارد عشق
گویند چرا عشق و شهادت توام
در مکتب ما قیمت خون دارد عشق

**امام‌خمینی(ره) سرآمد و الگوی شهیدان عارف دفاع مقدس**

رهبر فقید انقلاب(ره) یکی از ستارگان عالم عرفان است. در عصر کنونی بی‌شک باید بنیان‌گذار جمهوری اسلامی- حضرت امام‌خمینی(ره)- را یکی از بهترین نمونه‌ها و الگوهای عرفان راستین و صحیح اسلامی به حساب آورد. حضرت امام(ره) با الهام از تعالیم اسلامی بین امور فردی و اجتماعی و امور دنیوی و اخروی و معنوی تضادی نمی‌دید و در هر شرایطی تنها به‌دنبال این بود که خدای متعال از او چه خواسته تا همان را انجام دهد. عرفان امام تبلور عرفان راستین و خدامحوری بود. او عارفی وارسته بود که تنها خدا را در نظر داشت.

عرفان امام هم جهاد اکبر داشت و هم جهاد اصغر. در عرفان امام هم عبادت و نماز شب و روزه و انجام تکالیف فردی دیده می‌شد و هم سیاست و قیام به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی وجود داشت.

در مسیر عرفان، مهم این است که انسان بتواند به همه کارهایش رنگ و صبغه الهی بزند و هر کاری را به این دلیل که خدا می‌خواهد، انجام دهد. اگر این گونه شد، آن گاه دیگر تفاوتی نمی‌کند که آن کار نماز شب باشد، یا حضور در جبهه‌های جنگ، یا تلاش برای تامین زندگی همسر و فرزند یا ورود به عرصه مسایل سیاسی و اجتماعی[9].

حضرت امام، عارف کامل و ژرف‌نگری بود که عرفان را به سیاست پیوند زد و سیاستی پیراسته از دروغ و نیرنگ را از دامان عرفان برآورد. نگرش امام به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همواره به‌صورت مرحله‌ای از سیر و سلوک الی الله بوده است[10].

حضرت امام عارفی راستین بودکه در عمل ثابت کرد که در همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی‌اش، جلب رضایت الهی حرف اول را می‌زد و تنها خدا را در نظر داشت و در طول عمر پربرکتش از احدی به‌جز خدا نترسید.

امام در عرفان نظری و عملی میدان‌دار بودند، اما سیره عرفانی امام به اینجا و در همین محدوده خلاصه نمی‌شود. ایشان همچنان که در درونگرایی، میدان‌دار بودند، در برونگرایی و در حماسه‌سرایی و حماسه‌آفرینی نیز کم‌نظیر بودند. در حماسه‌آفرینی، رجزخوانی در مقابل دشمن، شجاعت و هم‌آوردطلبی نیز کم‌نظیرند. و این نکته‌ای است که در سیره عرفانی امام به نگاه‌های عرفانی‌شان، رنگ و بو و سبک و سیاق خاصی داده است. اگر ملتی در ایران خروشید، رزمندگانی در مقابل شرق و غرب و دشمنان حماسه آفریدند و در عین حال اهل دل بودند، از امام و رهبرشان تاثیر پذیرفته و بدو تاسی نموده‌اند[11].

حضرت امام(ره) با اراده‌ای پولادین، سرآمد عارفانی است که توانست با سیره عملی خود، الگویی واقعی برای رزمندگان سالکی باشد که تشنه حق و حقیقت بودند. وی همیشه، رزمندگان و فرماندهان نبرد در

جبهه‌ها را به مسایل معنوی توجه می‌داد تا حماسه‌سازی رزم‌آوران عرصه پیکار، با عرفان دینی و الهی آمیخته باشد. ایشان در واقع نقطه اوج تلاقی عرفان و جهاد بودند.

رزمندگان اسلام افزون بر عشق و علاقه وافر به حضرت امام(ره)، از بن جان باور داشتند که ایشان جانشین امام عصر(عج) است و از ولایت امام معصوم(ع) و شأن مرجعیت دینی و زعامت سیاسی جامعه اسلامی برخوردار است؛ از این رو در چارچوب این باور ولایت حضرت امام(ره) را در ادامه ولایت معصوم(ع) پذیرفته و به اسباب آن پایبند بودند و پیروی از آنان را بر خود واجب می‌دانستند.

جوانان مومن و انقلابی به صداقت، اخلاص، شجاعت، نواندیشی، عظمت، تواضع و محبت پدرانه رهبر خویش اعتماد کامل داشتند، کلام روشنی‌بخش او را به گوش جان می‌شنیدند و در راه اجرای فرامین او سر از پای نمی‌شناختند. در طول هشت سال دفاع مقدس نیز با حضور نسل عاشق شهادت و تربیت‌شده در مکتب ولایت، توفیق الهی نصیب ملت ستمدیده ایران شد و کار تا آنجا پیش رفت که جوانان از حضرت امام می‌خواستند تا برای شهیدشدنشان دعا فرماید.

گفتنی است عشق امام به رزمندگان دوطرفه بود؛ به‌طوری که رزمندگان با دیدن چهره نورانی او به گریه می‌افتادند و امام هم به حال آنان غبطه می‌خورد و این رابطه هم از نظر معنوی به شکل اعجاب‌انگیزی بین آنها وجود داشت.

اینک نمونه‌هایی از دلدادگی به امام و نصیحت‌های آنان به بازماندگان شهدا را مرور می‌کنیم:

*شهید محمود متخاوری*: "امام‌خمینی، این پیر جماران را یاری کنید تا امام زمان از دست شما راضی باشد و هر کس که مخالفت کند، به عذابی سخت در روز قیامت دچار می‌شود".

*رسول (بابک) ابراهیمی*: "من هم برحسب وظیفه و اطاعت از فرماندهی کل قوا و پیروی از ولایت فقیه و انجام تکلیف الهی به جبهه آمدم تا بتوانم با حضور خود در صحنه، دین خود را به اسلام و قرآن ادا نمایم".

*شهید حمید غفاری راد*: "خدا را سپاسگزارم که بر من منت نهاد و در آزمایش الهی سربلندم نمود. من از جمله پیروان حسین(ع) هستم، همان حسینی که در مقابل ظلم و ستم قیام کرد. مهم‌ترین سفارش من به امت حزب‌الله این ست که از امام عزیز، این پاک‌باخته راه خدا اطاعت کنید و او را تنها مگذارید، زیرا که تنها گذاشتن این رهبر بزرگوار یعنی تنها گذاشتن قرآن".

*شهید محمدرضا فتح‌آبادی*: "وصیتی که برای ملت عزیز خود داشتم این است که امام را، این قلب تپنده امت و نور چشم دیدگان رزمندگان و این رهرو راه انبیا و این روشنی‌بخش دل‌ها را ترک نکنید، و همواره گوش به فرمان و پشتیبانش باشید".

*شهید یدالله احمدی*: "امام را دعا کنید و او را هرگز تنها مگذارید و ثابت کنید همان گونه که تا به حال ثابت کرده‌اید که مردم کوفه نیستید و نشان دهید که هر لحظه به ندای امامتان لبیک می‌گویید".

**نگاه عرفانی شهدا به مساله مرگ (شهادت در راه خدا)**

فرهنگ و ادبیاتی که در بین رزمندگان خداجوی دفاع مقدس به وجود آمد، آمیزه‌ای از شهادت‌طلبی، حماسه و عرفان و مبتنی بر نگرش عاشورایی بود. رزمندگان نه‌تنها از مرگ در راه خدا کوچک‌ترین هراسی به دل راه نمی‌دادند، بلکه برای رسیدن به وصال حضرت حق لحظه‌شماری می‌کردند. دیدگاه شهدا نسبت به مساله مرگ و شهادت در نوع خود اعجاب‌انگیز است.

"کسی که می‌داند عاقبت کار او مرگ است، هیچ اندیشه‌ای برای او مهم‌تر از اندیشه مرگ نیست و هیچ تدبیر بالاتر از تدبیر زاد و توشه مرگ نباشد، اگر عاقل باشد. عارف از آن سبب که با مرگ، به وعده دیدار حق می‌رسد، همیشه چشم به راه آن است، بلکه آرزوی مرگ دارد. و بالاتر از این مرتبه، درجه‌ای است بزرگ‌تر از آن یعنی نه از مرگ اکراه دارد و نه طالب آن است، نه تعجیل خواهد نه تاخیر، بلکه دوست‌تر نزد او آن است که خداوند حکم کرده است و چنین کسی به مقام رضا و تسلیم رسیده است که مرگ و زندگی برای او یکسان است"[12].

اینک نمونه‌هایی از افکار و عقاید شهدا را در باب نگرش به مساله مرگ (شهادت) و زندگی مرور می‌کنیم:

*شهید عباس کریمی قهرودی*: "شهادت در اسلام نه مرگی است که دشمن به مجاهد تحمیل می‌کند، بلکه انتخابی است که وی با تمام آگاهی و شعور و شناختش به آن دست می‌یازد".

*شهید سیدعبدالحسین آجودانی*: "برادران و بزرگواران، مرگ در همه جاست. اگر در خانه‌ات بنشینی به سراغت خواهد آمد. در سر کار و همه جا، انسان همان طور که یک روزی به دنیا می‌آید باید یک روزی از دنیا برود. حالا چه بهتر مرگ در راه خدا باشد".

*شهید علی‌اکبر احسانی*: "مرگ برای همگان است؛ همان طور که علی(ع) فرموده است خوب است انسان در بستر بیماری نمیرد و با شهادت در راه خدا جان خود را از دست دهد. مرگی را انتخاب کنید که آبستن زندگی باشد. پدر گرامی‌ام، انسان یک بار بیشتر نمی‌میرد، چه بهتر که در راه خدا بمیرد و شهادت سعادتی است که نصیب هر کس نمی‌شود. از شما پدر و مادر و برادر و خواهران گرامی و ارجمندم می‌خواهم که بعد از شهادتم افتخار کنید و شاد باشید چون فرزندی را تربیت کردید که در راه خدا شهید شد. فراموش نکنید که دنیا به آخر می‌رسد، سعی کنید به دنیا دل نبندید و خود را مهیای سفر آخرت کنید".

*شهید سیدجعفر احمدپناه*: "مرگ مرگ است، مرگ سرخ چه بهتر است از مرگ طبیعی. مرگ سرخ را دریابید و به سوی آن بشتابید. که شما در این دنیا منزل نو، ساختمان نو می‌سازید تا برای خود، آسایش داشته باشید به فکر ساختمان نو در آخرت باشید، که در آن دنیا جاودانی و ماندنی است".

*شهید محمدرضا حبیبی*: "به صدام و صدامیان با خونم پیام دهم که ما از مرگ هراسی نداریم. زیرا که مکتب ما شهادت است؛ زندگی جاوید همانا دنیای آخرت که جاوید و پایدار است نه این دنیای پست و ناچیز که ارزش یک گیاه کوچک را هم ندارد".

*شهید سیدمصطفی اسماعیل‌زاده کاشانی*: بزرگان [به ما] آموخته‌اند که برای مرد، مرگ در بستر، ننگ است و زندگی نه برای خوردنی و پوشیدنی و علایق دنیوی است؛ بل به‌منظور دستیابی به هدفی الهی و جاودانی است".

معلم *شهید نورحسین امیری*: "دنیا و آخرت بستگی به لطف تو دارد و هر لحظه می‌توانی جان مرا که خود تو داده‌ای، بگیری و چه بهتر مردنی که در راه تو باشد و نباید این وعده تو را از یاد برد که هر کس را دوست بدارم خواهم کشت. دنیا زندان برای مومن و بهشت برای کافر است. ولی آخرت بهشت مومن و عذابی برای کافران است".

*شهید سجاد سپهوند بیرانوند*: "مبادا دنیای مادی و فانی را بر جهان جاوید آخرت ترجیح دهید و به ثروت‌اندوزی بپردازید و آخرت و خدا را از یاد ببرید، زیرا بعد از مردن تو مردم می‌گویند چه دارد و چه به جا گذاشته است، ولی فرشتگان می‌گویند چه آورده‌ای؟ همانا ثروت تـو برای بازمانـدگان اسـت. نکند در آنـجا بدون هیچ توشه‌ای گرفتار

خشم و غضب خداوند و دوزخ شوی.
*شهید قربانعلی ابوالحسنی*: "تقاضای من این است که در تشیع جنازه‌ام دستهایم را از تابوت بیرون آورید تا این دنیاپرستان بدانند که این دنیای زودگذر که یک سری انسان‌ها را به خود جذب کرده است و دل به او بسته‌اند و خبری از آخرت و قیامت ندارند چیزی با خود نبرده‌اند. چشم‌هایم را باز بگذارید تا این کوردلان بدانندکه کورکورانه از دنیا نرفته‌ام و آگاهانه این راه را انتخاب کرده‌ام".
*شهید محمدرضا بااختیار*: "باری مادرم! آری این چنین بود سرنوشت من که من امانتی بودم نزد شما که خداوند به شما داد و حال این امانت را از شما می‌گیرد و مبادا که در مرگ من گریه کنید".
*شهید محمد احمدی*: "شهادت مرگ سعادت‌آمیزی است که آغاز دیدن زندگی پربار جدیدی را نوید می‌دهد. شهادت شربتی است که هر کس توان آن را ندارد که بنوشد، مگر این که از تمام قید و بندهای ظاهری اعم از مال و جان خود گذشته و در راه حق علیه باطل فدا کند. شهادت در نزد من مانند مادری است که فرزندش را با تمام وجود به آغوش می‌کشد".
بنابراین رزمندگان از ایمان مذهبی برخوردارند و در نتیجه در پایبندی به ایمان، قوی‌تر و پابرجاترند و به خداوند نیز نزدیک‌ترند و هر چه انسان‌ها به خداوند که قدرت جاوید و منبع همه قدرت‌هاست، نزدیک‌تر باشند، از مرگ بیم و هراسی به دل راه نمی‌دهند.
*شهید محمدعلی یوسف‌وند*:

آن دم که ز خون خود وضو می‌کردم
دانی که ز حق چه آرزو می‌کردم
ای کاش مرا هزار جان بود به تن
تا آن همه را فدای او می‌کردم

**نمونه‌های وصیت‌نامه عرفانی شهدا**

در بین انبوه وصایای به‌جامانده از شهدا موضوعات مختلف عبادی، سیاسی و غیره از قبیل نماز و عبادات الهی، توصیه به انجام سایر فرایض دینی، نکوهش دنیاگرایی، اخلاص و تقوا، دعوت بازماندگان به صبر و اطاعت از امر امام و انجام وظیفه دینی به‌عنوان هدف رزمندگان از رفتن به جبهه، توصیه به دفاع از اسلام و قرآن و پشتیبانی از ولایت فقیه به‌طور چشمگیری دیده می‌شود. در میان این اسناد مکتوب و ارزشمند، تعدادی از وصایا به مفاهیم والای عرفانی و مناجات‌های عارفانه پرداخته‌اند که در نوع خودکم‌نظیر هستند. اما آنچه مایه شگفتی بیشتر در این شهادت‌نامه‌ها می‌شود این است که تعدادی از نویسندگان این گونه وصیت‌نامه‌ها، تحصیلاتی در حد خواندن و نوشتن داشته‌اند. بنابراین خلق این آثار هنرمندانه را باید الهام و جذبه‌ای از سوی خداوند بزرگ به شمار آورد. در این بخش تعدادی از وصیت‌نامه‌های عارفانه شهدا در موضوع حالات و مقامات عرفانی را مرور می‌کنیم:
**شکر:** یکی از مسایلی که فرهنگ اسلامی بر آن تاکید ورزیده و در قرآن و روایات به‌عنوان خصلتی ارزنده و نیک برای انسان‌ها بیان شده شکرگزاری و سپاس از بابت نعمت‌های الهی است. اسلام می‌خواهد افراد به درجه‌ای از یقین برسند که در هر حالی اعم از آرامش یا روی‌آوردن مصیبت‌ها شکر خدا را به جای آورند. به‌طور معمول انسان‌ها پس از دریافت نعمت، شکر به جای می‌آورند اما عارفان و اهل معرفت معتقدند که حتی در مواردی که انسان به گرفتاری و بلا دچار می‌شود جای شکرگزاری دارد؛ شهدا در زمره این گروه‌اند.
*شهید علی جعفر اسدی فرد*: "خداوندا! من چگونه این همه نعمت‌های تو را با این زبان الکن و قاصر شکر و سپاسگزاری کنم و بر این شکرگزاری چه عملی بیابم که انجام دهم آن هم به‌عنوان شکرگزاری، فقط برای نشان‌دادن سرور خود از این نعمت‌های بی‌پایانت این است که گوش به فرمان تو باشم و جانم را فدای آنها کنم".
*شهید علی‌اکبر اسدی*: "شکرت خدا، شکرت الله، شکرت ایزدا، که این حقیر هم توانست با یاری تو در صف چنین مبارزانی، دلاورمردانی و اسوه‌های شجاعتی رسوخ کند اگرچه نمی‌توانیم همچو آنان باشیم، ولی شکرت را نمی‌توانیم به جا آوریم".
*شهید عباسعلی اشرف*: "اکنون بسیار خداوند منان را شکر و سپاس می‌گویم که توفیق حضور در این دانشگاه را به من عنایت فرمود، اگر لیاقت آن را داشتم که از این دانشگاه با مدرک قبولی شهادت فارغ‌التحصیل گردم، فقط برایم دعا کن که مورد قبول حق تعالی واقع گردد و برای رضای او انجام شده باشد و خالص برای او شهید شده باشم (انشاءالله)".
*شهید قدرت‌الله کبودوند*: "مادرم هر وقت از من یادی کردی خدا را شکر کن که خدا توفیق مادر شهید بودن را به تو داده و تو را لایق این دانسته که فرزندی به تو بدهد و بزرگ کنی و بعد در راه خودش به‌آسانی هدیه کنی".
**رضا:** مرحله "رضا" برای سالکان کوی حق، آن است که انسان سالک به جایی برسد که نه‌تنها کوشش کند خدا از او راضی باشد بلکه بکوشد او از "قضا و قدر" خدا راضی باشد.
حضرت امام‌خمینی(ره) در اردیبهشت سال ۱۳۶۰ در جمع رزمندگان اسلام در رابطه با رضای الهی همراه رزمندگان می‌فرماید: "شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند؛ شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را، شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را، شما آرامش قلبی دارید. بین این دو طایفه بسیار فرق است"[13].
*شهید مهدی باکری*: "خدایا! می‌ترسم رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم. یارب العفو، خدایا نمیرم در حالی که از من راضی نباشی ای وای که سیه‌روز خواهم بود".
*شهید مجید آخوندی*: "حال من به آن آرزو رسیده‌ام و در کنار حسین زمان و در رکاب او آنقدر می‌جنگم که به معبودم بپیوندم و از این نظر خوشحال و سعادتمندم و شما نیز اگر سعادت مرا می‌خواهید خوشحال باشید که فرزندتان به آرزویش رسید. وای به حال کسانی که در این دنیا و با این عمر کوتاه، که آزمایش خداوندی است، مردود شوند. وای به حال انسان‌هایی که به این دنیا با این همه فریب‌هایش دل ببندند".
معلم *شهید یدالله صادقی*: "خدایا خودت از همه آگاه‌تر و داناتر و بیناتری و خوب می‌دانی که فقط به‌خاطر رضای تو به جبهه آمده‌ام و جز تو به کسی امید ندارم؛ پس مرا ناامید مکن و آنچه رضای توست، که همان راه حسین است، نصیبم گردان".
*شهید ابراهیم امیدی*: خدایا تو می‌دانی که من برای رضای تو به جبهه می‌روم و از دین تو یاری کنم و برای رضای تو می‌جنگم.
*شهید حمیدرضا آشوری*: "شاید خداوند متعال به ما رحم کند و کمی از گناهان گذشته‌مان را ببخشد. خدا را شکر کنید که مفتخرانه [در] این حکومت الهی سهیم می‌شوید و همواره همانند سایر اولیا صبر و شکیبایی را فرا راه خود نمایید".
*شهید سیدجمال احمدپناهی*: "مولاجان، تو خود بهتر می‌دانی که من عاشق تو بودم و با این که بی‌لیاقت بودم به این عشق حقیقی‌ام پاسخ مثبت دادی. پدر و مادر عزیز می‌دانم غم دوری فرزند بس

مشکل است و جانسوز، ولی اگر فقط برای رضای خالق کون و مکان باشد، بسیار آسان و شیرین است".

*شهید علی‌مردان آزادبخت*: "همسرعزیزم! از تو می‌خواهم در برابر مشکلات ایستادگی کنی و ناراحتی به خود راه ندهی، چون که من راضی به رضای خدا هستم".

*شهید ابراهیم ابوتراب*: "خدایا، خود می‌دانی که به‌خاطر رضای تو و رسالت و مسئولیتی که نسبت به امام و انقلاب داشتم، پای در جبهه گذاشتم و جان بی‌ارزش خود را به کف گرفته، تا بتوانم با نثار جانم در راه اسلام و قرآن ادای تکلیف کرده باشم و اکنون که خود را سربازی نالایق برای اسلام و امام می‌دانم، از تو ای مهربان خدا می‌خواهم که توفیق شهادت در راهت را نصیبم کنی".

*شهید علی‌اصغر بهاری*: "پروردگارا تو خود شاهدی که کورکورانه به این راه نیامده‌ام و هدفم تنها رضای تو و خدمت به مومنین درگاهت بوده و خواهد بود. پروردگارا از تو طلب آمرزش می‌کنم. وقتی جسدم در خون غوطه‌ور شود و به اولیاءالله بپیوندم به آرزوی دیرینه‌ام رسیده‌ام".

*شهید احمد اسدیان*: "این جنگ، جنگ کفر و اسلام است و در این راه راضی‌ام به رضای خدا، که اگر در راه او به شهادت رسیدم و خدا این بنده سر تا پا گناه را پذیرفت، دیگر سعادتی از این بالاتر نیست".

*شهید عالی یوسفی*: "هدف من و تمام عزیزان دیگر همان رضای الهی است. این را فراموش نکن که جهانی که در پیش داریم به نام جهان آخرت، که در آنجا به حساب اعمالی که در این دنیا انجام داده‌ایم، می‌رسند اگر کار خوب انجام دهیم به بهشت خواهیم رفت".

*شهید احمد کرمی*: "و شما ای برادرانم امید این را دارم که هر کاری که می‌خواهید انجام دهید مورد رضای خداوند باشد هر کاری که کردید با یاد خدا و به نام خدا و برای خدا".

*شهید یوسف غفاری*: "پروردگارا بنده علیل و بنده گناهکار و ذلیل توام، از تو طلب آمرزش دارم. از تو می‌خواهم فقط هدایتم کنی به آنجا که رضای تو است".

**توبه:** زمانی که انسان موفق به توبه می‌شود نه‌تنها خداوند بر گناهان او پرده می‌پوشاند، بلکه آنها را تبدیل به نیکی می‌کند و برکات خویش را بر او نازل می‌نماید و مانع از عذاب انسان می‌شود و در نهایت به توبه‌کننده مقامی والا عطا می‌کند و او را محبوب خود قرار می‌دهد. با وجود این که شهدا افرادی پاک و مهذب بوده‌اند اما به‌دلیل داشتن اخلاص بیش از حد، از درگاه خداوند تقاضای توبه و درخواست عفو می‌نمایند.

*شهید حسین خرازی*: "در مشکلات است که انسان‌ها آزمایش می‌شوند. صبر پیشه کنید که دنیا فانی است. خدایا بر تو توکل دارم، خدایا تو خود توبه مرا قبول کن و از فیض عظمای شهادت نصیب و بهره‌مندم ساز و از تو طلب مغفرت و عفو دارم".

*شهید حسن ابراهیمی*: "به نام خدایی که شب و روز را به خلقت خود آفرید و در این آفرینش از هیچ احدی کمک نخواست. به نام خدایی که از او آمرزش می‌طلبم که جز او هیچ خدایی زنده پاینده نیست و به سوی او از توبه بازمی‌گردم. خدایا، گناهانم را ببخش تا بتوانم به سویت پرواز کنم. خدایا مرا در پیش شهدا، شهدایی که فقط به‌خاطر رضای تو خون خود را در راه انقلاب عزیز داده‌اند، رسوایم مکن".

*شهید محمد قنبری*: "خداوندا! از تو پوزش می‌طلبم، رحم کردی عصیان کردم، دعوتم کردی فرار کردم، عطا کردی، خطا کردم".

*شهید محمدمحمود واعظی کاشانی*: "خداوندا بنده گناهکاری هستم که برای توبه به جبهه‌ها که دانشگاه انسان‌سازی است آمده‌ام و شکرگزارم که در مقابل عشق من بهشت را وعده دادی".

**محبت:** در مکتب عرفا، محبت خداوند مقصد نهایی سلوک عرفانی و تکامل‌بخش قوای نظری در درک حقایق هستی است و راه دستیابی به این محبت و عشق الهی را معرفت قلبی و مناسبت می‌دانند.

*شهید احمد آقایی*: "از این همه تقصیر اکنون عذر می‌خواهم. پشیمان و دل‌شکسته‌ام و عفو می‌خواهم و آمرزش، به سوی تو روی می‌آورم و کار را به تو وا می‌گذارم که عذر مرا ببخشی و به رحمت واسع خود وارد کنی مرا، بپذیر عذر مرا و رحم کن بر این بدن ضعیف. شیرینی عبادت و بندگی شبانه‌روزی‌ات را عنایت فرما، هدایت کن بر سبیل خودت عشق و محبت خودت و عشق و محبت عاشقانت و آنچه را که باعث قرب به تو می‌شود بر من حقیر عطا فرما".

*شهید ابراهیم امیدی*: "خدایا از تو می‌خواهم در لحظه‌ای که مرگ برایم فرا می‌رسد، از تمام دوستان و عشق و محبت‌ها به‌جز دوستی و عشق و محبت به خودت و از تمام وابستگی‌ها جز وابستگی به خودت و پیروان راهت آزادم سازی".

**قرب:** تقرب به خدا امری واقعی و عینی است یعنی برای بندگان خدا به سوی درگاه الهی مدارجی است که هر چه در این مدارج و معارج بالاتر روند به آستان ربوبی نزدیک‌تر می‌شوند و در این نزدیکی است که هر کمالی برای انسان حاصل است. اگر پرتویی از جمال لایزال الهی در دل مستعد بنده‌ای بتابد تا حدی خواهد توانست مفهوم و حلاوت تقرب را با قلب و روح خود احساس کند.

*شهید مراد ابدالی*: "خدایا به لطف خودت مرا به جوار قربت نزدیک ساز، خدایا توفیق عطا کن که شکر تو را به جای آورم".

*شهید مصطفی اخیانی*: "برادران من، مبادا که لحظه‌ای از خدا غافل گردید. مبادا که لحظه‌ای ذکر او را از لب بردارید که تنها رمز موفقیت ما در همین ذکرها و مناجات‌های شبانه است. اخلاص را توشه راه خود کنید که تنها ملاک اعمال است. خدایا، لذت ایمان و جان‌نثاری در راهت را بر این بنده ذلیل خویش عطا فرما".

*شهید یوسف خانی*: "به خدا برای مومن جز نزدیک‌شدن به خدا چیز دیگری مزه ندارد؛ چیز دیگری را نمی‌خواهد، فقط دوست دارد که خداوند از او راضی باشد و رضایت خداوند به این است که هر چه امر کرده انجام دهی و آنچه را نهی کرده ترک کنی".

*شهید علی‌اصغر ابراهیمی*: "اینک که من عازم جبهه‌های جنگ حق علیه باطل (نور علیه ظلمت) هستم و با خلوص نیت و پاکی باطن، تمام مادیات زندگانی و دنیوی را کنار گذاشته و به سوی نور و شهادت، که قلب من آکنده از آن است و آرزوی دیرینه من است، پر می‌کشم، امیدوارم که خداوند متعال این حقیر را که بنده‌ای گنهکار در مقابل او هستم بپذیرد و مرا به سوی خود بکشد".

*شهید علی ادهم*: "بدانید که جبهه بهترین محل یادگیری درس فداکاری و ایثار است. بهترین محل برای خودسازی و درک تفسیر آیه‌های قرآن است، بهترین محل برای نزدیکی به خداست".

*شهید رسول زیودار*: "خدایا! راغب هستم به سوی تو. مرا یاری کن تا بر نفسم غلبه کنم و مرا از مقربان درگاهت قرار بده".

*شهید ابوالفضل اعظمی‌نژاد*: "بار خدایا که تو بخشنده و مهربانی، از تو می‌خواهم از گناهانم درگذر و همچنان که تاکنون مرا در سایه رحمتت هدایت نمودی، اینک هدایتم کن. با یقینی استوار، در راهی که قدم گذاشته‌ام به هدف اصلی که همان تقرب به تو به‌وسیله شهادت است و منتهای هدف هر انسان خداجویی است برسم. انشاءالله".

*شهید روح‌الله (مصطفی) شیری*:

بر بال دعا به آسمان باید رفت
افتاده ز پا از این جهان باید رفت

خواهی تو اگر به قرب جانان برسی
با مرگ تن و نثار جان باید رفت

**صبر:** اهمیت و ارزش صبر و استقامت، بیشتر در میدان جهاد و دفاع نمایان می‌شود. هرچند هیچ موفقیتی بدون تلاش پیگیر و ایستادگی و پایداری در برابر موانع و مشکلات دست‌یافتنی نیست، اما دست‌نیافتن به پیروزی در جنگ بدون مقاومت و استقامت، بسی روشن‌تر و نمایان‌تر است. در قرآن کریم بر این نکته تاکید شده است که اگر تعدادی اندک در جنگ با کافران و مشرکان استقامت بورزند، بر تعداد کثیری پیروز خواهند شد؛ زیرا خداوند با صابران است و آنان را به‌دلیل صبر و مقاومتشان در راه حق، از امدادهای خویش بهره‌مند خواهد ساخت.

از جمله ارزش‌های مهمی که در دفاع مقدس تجلی یافت، صبر و استقامت بود. رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس مقاومت و ایستادگی کم‌نظیری از خود نشان دادند. خداوند متعال نیز آنان را به پاس پایداری و استقامت در برابر دشمن تا دندان مسلح، یاری و پیروز کرد.

برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات در راه رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. برای این که مصیبت‌های وارده و دشواری‌های راه، انسان را از پای در نیاورد، باید صبور بود. این عمل در تمام مراحل دین و اسلام وجود دارد و در راه شهدا با این جلوه بزرگ روحی روبه‌رو هستیم و آنچه حماسه شهدا را به اوج ماندگاری و تاثیرگذاری و فتح معنوی رساند، روحیه استقامت و پایداری بود.

*شهید اسدالله احمدی*: "صبر پیشه کنید، که خدا با صابران است و چون امانتی که از خدا نزد شما بوده و حال به‌خوبی پس می‌دهید، گران نباشید که خدا اجرش را خواهد داد".

*شهید براتعلی توکلی*: "حال به شما ملت ایران وصیت می‌کنم همیشه در راه خدا صبر کنید و آماده جهاد و شهادت در راه خدا باشید".

*شهید احمد احمدی*: "اما آخرین چیزی که از شما می‌خواهم، فقط و فقط همین است؛ صبر و بردباری را پیشه کنید".

*شهید علی‌مردان آزادبخت*: "نماز بخوان و در برابر گرفتاری‌ها به خدا پناه ببر و صبور باش و صبر کن که قرآن کریم فرموده است: ان الله مع الصابرین؛ صبور باش که خداوند با صابران است".

*شهید امیدعلی جلیلی*: "در برابر توطئه‌ها همدیگر را به حق و صبر دعوت کنید که قرآن می‌فرماید: تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر".

*شهید مهدی احمدیان*: "پس ای مادر عزیز، همان طور که تا حال صبر کردی و استقامت در مقابل مصایب و سختی‌ها داشتی از این به بعد هم از خداوند متعال طلب صبر و استقامت کن که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: والله یحب الصابرین؛ به‌درستی که خداوند صبرکنندگان را دوست دارد. پس باز هم می‌گویم صبر و استقامت را پیشه خود کن، تا از نزدیکان و مقربان خدا شوی".

**ذکر:** یکی از مراتب عرفانی یاد خداست. یاد خدا همیشه به انسان امید می‌دهد و او را در هدفش امیدوارتر می‌کند و این طور واضح یکی از پررنگ‌ترین پیام شهدا بوده است. چرا که یاد خدا همیشه سازنده اخلاق است و همچنین سدی در برابر نفوذ شیطان به قلب انسان و وسوسه‌کردن او است. زنده‌بودن چراغ "یاد خدا" در دل، هم سبب پیشگیری از گناه می‌شود هم مقاومت انسان را در سختی‌ها و گرفتاری‌ها می‌افزاید و هم انسان به سرمستی و غرور نمی‌افتد و هم زمینه‌ساز ارتقای روحی و تصفیه اخلاق از رذایل و خالی‌شدن خانه دل از اغیار است و این پیام لحظه‌لحظه شهیدان است.

*شهید رحیم احمدی*: "برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست. همیشه یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید".

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند
[مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری]

*شهید رجبعلی ببری بابانظر*: "همیشه صبر را پیشه کنند و کلمه لااله‌الاالله را همیشه بر زبان جاری نمایند".

*شهید مجید اخلاقی*: "مبادا که مرگ به‌هنگام غفلت گریبانگیر شما شود. به دنیا دل نبندید که دنیا زودگذر و فانی است. استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردها دعاست. شما را به تقوی سفارش می‌کنم. باید حق بگویید و برای قیامت و پاداش‌های الهی کار کنید و در کارهایتان رضایت خداوند را در نظر بگیرید".

*شهید محمد اصغری*: "بنابراین تنها به یاد خدا باشید و همیشه ذکر خدا را به زبان آورید که با یاد خدا دل‌ها اطمینان می‌یابد".

*شهید علی اشتری*: "هدف دیدار روی اوست، خونم به نام او در جریان است، نفسم به یاد او فرو می‌رود و دوباره بازمی‌گردد. منزلگهم خانه اوست، قلبم به نام او در تپش است، قدمم به فرمان او پیش می‌رود و روحم به سوی او پرواز می‌کند. قلبم به یاد او آرام می‌گیرد".

*شهید احمد شول*: "دل حرم خداست و در حرم خدا غیر از خدا وارد نمی‌شود و هر وقت دل‌ها گرفت با یاد خدا دل را روشن نمایید و اگر به غیر از خدا را به دل راه دهید، همه غم‌ها و ناراحتی‌ها او را می‌گیرد و انسان را به طرف نابودی می‌کشاند. خداوندا ما را لحظه‌ای به حال خودمان وا نگذار".

*شهید محمدحاتم الوندیان*: "پس آنچه ماندنی است اعمال ما است که باید سعی کنیم از آن صالحین باشیم و برای خدا قدم برداریم و او را یاد کنیم و ذاکر واقعی باشیم که اجرش مساوی همان مجاهد فی سبیل‌الله است".

*شهید حسینعلی پیشداد*: "زندگی در شق معنی پیدا می‌کند در راه رسیدن به معشوق و الله است که یاد او انسان را آرامش می‌دهد؛ الا بذکر الله تطمئن القلوب. جنبش و عملکرد انسان برای رضای خدا می‌شود و بدون رضای او کار دیگری انجام نمی‌دهد".

*شهید مصطفی اخیانی*: "برادران من مبادا که لحظه‌ای از خدا غافل گردید. مبادا که لحظه‌ای ذکر او را از لب بردارید که تنها رمز موفقیت ما در همین ذکرها و مناجات‌های شبانه است. اخلاص را توشه راه خود کنید که تنها ملاک اعمال است".

**توکل:** یکی از ارزش‌های بزرگ اسلامی و صفات نیک و برجسته مومنان، توکل است. توکل به معنی وکیل قراردادن خداوند متعال در امور و کارهاست. توکل در حقیقت، اعتماد و اطمینان به قادر متعال، کارها را به او سپردن و از او مدد و یاری‌خواستن است. مومنان در عین این که از اسباب و امکانات مادی در حد توان بهره می‌گیرند، آنها را در سببیت و تاثیر مستقل نمی‌دانند و معتقدند که خداوند متعال به اسباب تاثیر می‌بخشد. از این رو توکل، به معنی مسئولیت‌گریزی و کنارگذاشتن اسباب و امکانات مادی نیست؛ بلکه به معنی دل‌بریدن از اسباب، دل‌بستن و امیدداشتن به مسبب‌الاسباب و تنها او را سبب و موثر مستقل دانستن است[14].

*شهید ساجد اسکندری*: "سفارشی که به همسرم دارم این است: شما وظیفه سنگینی نسبت به فرزندان ما دارید و با توکل به خداوند بزرگ

آنها را به نحو احسن تربیت [کن] و تحویل جامعه بده و طوری آنها را پرورش بده که با جان و مال، خدمتگزار اسلام و مسلمین باشند. در هر کاری توکلتان به خدا باشد".

*شهید محمد ابراهیمیان*: "صف عاشقان لقاءالله با وقار هر چه تمام‌تر به سوی رحیل حق در نبردند و پرواز به سوی احدیت دارند. و هر که به تو، توکل کند او را بسیار خواهی بود؛ و من یتوکل علی الله فهو حسبه. بارالها ما را در حصار اخلاص خویش قرار ده و درهای غفلت را به رویمان ببند و کوردلان را دیده بصیرت عنایت بفرما".

*شهید طاهر لطفی*: "مرگ فنا نیست، بلکه اول بقا است. ای دلیرمردان صحنه نبرد، ای پاسداران عزیز اسلام، شکرگزار باشید که خداوند شما را برانگیخت تا که پاسدار و مدافع اسلام و انقلاب باشید با خشوع و خضوع باشید و مأموم‌وار از امام تبعیت کنید. توکل به خدا کنید".

*شهید عبدالوهاب احمدی*: "شناخت خود، سبب شناخت وجود خداست، یعنی فقط به‌واسطه شناخت خود پی می‌بریم که این عالم آفریننده‌ای دارد. اما برای شناخت واقعیت و حقیقت صفات خدا و افعال او و چگونگی او احتیاج به امام داریم، به این سبب ما وقتی خدا را به صفت جباریت یعنی اصلاح‌کننده کارها شناختیم و یقین کردیم که اوست که ناملایمات و شکستگی زندگی ما را تامین می‌کند، تمام کارهایمان را به او واگذار می‌کنیم".

**لقاءالله و فناء فی‌الله:** آنان که عاشقانه خدا را دوست دارند، بی‌صبرانه در انتظار لقایش در سوز و گدازند و به فرموده امام راحل(ره)، "عشاق جمال حق، غایت افعالشان وصول به باب‌الله و رسیدن به لقاءالله است". مرگ و شهادت لحظه سرآمد این انتظار و تحقق وصال است. حضرت امام‌خمینی(ره) در اسفند سال ۱۳۶۰ در جمع رزمندگان اسلام[13] در رابطه شوق شهادت و دیدار حضرت حق در بین رزمندگان می‌فرماید: "شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید. شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاءالله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید".

حضرت امام(ره) ضمن مقایسه میان حضور داوطلبانه رزمندگان ما و انگیزه نیروهای دشمن در جبهه‌های جنگ می‌فرماید: "آنها برای رسیدن به دنیا و برای رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می‌شوند در میدان‌ها و شما برای شهادت و رسیدن به لقاءالله وارد می‌شوید". از دیدگاه عرفانی امام(ره)، جوهره اصلی شهادت چیزی جز عشق به خدا و شوق به لقاءالله نیست؛ عشق به محبوب حقیقی که همه چیز را محو می‌کند؛ از همین روست که می‌فرمایند: "حل این معما جز به عشق میسر نگردد که بر ملت ما آسان شده است" و شهدا را جرعه‌نوشان وصل یار از شهد شهادت می‌خواند.

عشق به معبود، تقرب الی الله، یاد و ذکر الهی، جان‌مایه پیام شهداست. همه چیز را فدای دوست کردن و در تماشای جمال محبوب ازل و ابد غرق‌شدن و خود را ندیدن. عرفان چیزی جز محو در خدا نیست و شهدا با جان‌نثاری خویش و فداشدن در راه خدا، عرفان و اخلاق را به حد اعلی رسانیدند. شهادت آنان از صحنه‌های زیبای هستی است. صحنه ایثار و فداکاری و حماسه در راه خداست.

*شهید محمدابراهیم همت*: "من در پوست خود نمی‌گنجم، گمشده‌ای دارم و خویشتن را در قفس محبوس می‌بینم و می‌خواهم از قفس به درآیم سیم خاردارها مانعند، من از دنیای ظاهرفریب و مادیات و همه آنچه مرا از خدا بازمی‌دارد، متنفرم. اکنون می‌روم با دنیایی انتظار، انتظار وصال و رسیدن به معشوق".

*شهید محمدکمال حبیبی*: "هدف من نیز تنها دفاع از وطن نیست، بلکه هدف من از رفتن به جبهه تنها دفاع از اسلام و قرآن است، هدف تنها رسیدن به الله است. شهادت کشته‌شدن در راه خداست".

*شهید ابوالفضل ابراهیمیان*: "از بین تمام رنگ‌ها رنگ سرخ را برگزیده‌ام و از میان انواع مرگ‌ها، شهادت را و از تمامی باغ‌ها، گورستان را و از میان تمام گل‌ها، لاله‌ها را. هیچ یک از ما به مرگ طبیعی نمی‌میریم. مرگ طبیعی ما شهادت است. شهامت، انسانیت، پاکی، راستی، امانت‌داری، ایثار، نوع‌دوستی، تحمل و صبر و شهادت از خصلت‌های زمان انقلاب است که موفق گشتم در جبهه شرکت نمایم و (انشاءالله) به لقاءالله بپیوندم".

*شهید علی احمدی*: "امیدوارم که عنایت و لطف خدا نصیب این حقیر گشته تا به سبب ریختن خون سرخم، زندگی تاریکم را روشن نماید و جزء شهدا گردم و اگر چنین شد، این مقام رفیع را برای خود درجه‌ای بس عظیم می‌دانم. چون انسان زمانی راحت می‌شود که به لقاءالله بپیوندد".

*شهید کیومرث معظمی گودرزی*: "به نام آن که جسم را بیافرید و روح را در آن بدمید و پس از مدتی آن دو را از هم جدا ساخت. چقدر شیرین است طعم دوستی را چشیدن و به معشوق خود پیوستن. از خداوند ذوالجلال مسالت دارم که به همگی ما توفیق لقای خود را با آغوش باز عطا فرماید. بدانیدکه مرگ پلی است بین زندان دنیا و پهنه وسیع بهشت. به خدا سوگند علاقه من به این پرواز بیشتر از پرنده محبوس در قفس است".

*شهید رشید ساتیاروند*: "اگر عشق به وصال معبود و جانفشانی در راه استواری و استحکام دین و آیین معشوق و ستیز با کفار و مشرکین و جنگ با دژخیمان خالق و مخلوق، جهل است و شهادت که والاترین مرتبه عشق به کمال وارستگی و تقرب به استان قدس است، جهل است من شیفته و دلداده این جهلم و بگذارید در این راه فنا گردم".

*شهید غلامرضا ابراهیم طوسی*: "تمامی هستی امانتی است در اختیار بشر و زمانی فرا رسد که این امانت باید باز پس داده شود. پس چه زیباست که جان را با شهادت باز پس داد. زندگی دنیا را به آخرت بفروشیم که این تجارتی است با ارزش و نیک چون در قبال این تجارت جاودانی‌بودن در جنت و به لقاءالله رسیدن نصیبمان می‌گردد".

*شهید محمود ادب*: "هر چند که می‌دانم لیاقت شهادت را ندارم. چون شهادت کوتاه‌ترین درهای بهشت است و سریع‌ترین راه برای رسیدن به لقاءالله است که نصیب همه کس نمی‌شود و البته شهادت لیاقت می‌خواهد و خشنودکردن خدا هم لیاقت می‌خواهد. کسی که می‌خواهد به سوی خدا هجرت کند از همه زیبایی‌ها و از همه دوست‌داشتنی‌ها و از لذت‌های دنیا باید گذشت و از خود جداشدن و به خدا پیوندزدن می‌خواهد".

*شهید جواد اعظمی*: "انسان برای ماندن و زندگی‌کردن دائمی در دنیا آفریده نشده است. انسان باید از فراز و نشیب‌ها عبور کند تا خدا را ملاقات کند. انسان در راه الله رنج ببرد تا او را ملاقات کند. این سرنوشت انسان است. بزرگی هر روح به اندازه رنجی است که در راه الله می‌برد. آری روح‌های بزرگ همواره به رنج‌های بزرگ مبتلایند. یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه".

*شهید هیبت‌الله فرجی*: "نماز عشق دو رکعت است که وضوی آن جز با خون صحیح نیست. نمازی است که هر جا نمی‌شود به جا آورد مگر در قتلگاه، پس با فضیلت‌ترین آن در حرم کربلاست".

نماز عشق دو رکعت است مقدمات فراوان می‌خواهد، اول عاشق باید دل را به اشک شست‌وشو دهد؛ بعد، از عشق لقاء بسوزد. تا آن که این سوختن در خانه تنش افتد و با خون، وضویش را آماده سازد.

نماز عشق دو رکعت است. بعد از نماز، ملائک را در اطراف می‌بینی که آماده‌اند تا تو را به معراج و دیدار خدا برند. معمولاً در جبهه به جا آورده می‌شود. کسی نیست و نخواهد آمد که لذت و مناجات این نماز را بداند، چرا که به‌جاآورندگان آن شهیدانند و کسی ندانست که

عاشق با این نماز تا کدامین منزل دوست را پیمود اما غنچه‌های بازشده خونین در بدنش گواهی می‌دهند که به سرمنزل لقاء رسیده است.

بررسی‌های انجام‌شده از وصایای ارزشمند به‌جای‌مانده از شهدای دفاع مقدس نشان داد اغلب رزمندگان اعم از نیروهای عادی تا فرماندهان شاخص که دست به نگارش وصیت‌نامه‌های عرفانی زده‌اند در هنگام حضور در جبهه‌های غرب و جنوب از استان‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفتند، با داشتن سطوح تحصیلی مختلف، از ابتدایی تا مقطع دکتری، هیچ کدام از آنان در رشته‌های مرتبط با عرفان اسلامی تحصیلات کلاسیک نداشته‌اند، اما به گونه‌ای شگفت‌انگیز، والاترین و عالی‌ترین مضمون‌های عرفانی از قبیل مناجات‌های عارفانه و حالات و مقامات عرفانی را در خلال وصایای کم‌نظیر خود جا داده‌اند و در مراحل سیر و سلوک تا آنجا پیش می‌روند که رسیدن به قرب الهی و آرمیدن در جوار باری تعالی، بزرگ‌ترین آرزوی قلبی‌شان بود. این موضوع را باید عنایتی خاص، الهام و جذبه‌ای از جانب پروردگار متعال به رزمندگان و شهدای بامعرفت و خداجوی دفاع مقدس به شمار آورد.

بدون شک، دوران سراسر شکوه و حماسه دفاع مقدس به‌عنوان برگ زرینی از تاریخ کشورمان، همواره مایه مباهات هر ایرانی دوستدار عاشق وطن است.

در روزگار کنونی، حضرت امام‌خمینی(ره) از عارفان وارسته، نواندیش، قاطع، نترس و ظلم‌ستیزی است که با الهام‌پذیرفتن از سیره پیشوایان مذهب تشیع، بر پیوند عمیق و محکم میان عرفان و جهاد و شهادت تاکید دارد و آن را ثمره عرفان واقعی می‌داند و عرفان را در میدان جهاد و سیاست به جوانان مومنی آموخت که در آوردگاه رزم و حماسه، رسیدن به قرب الی الله آرزوی قلبی‌شان است.

در تفکر عرفانی امام(ره)، جهاد و شهادت در راه پروردگار، برابر با سیر و سلوک به سوی خداست. زیرا در نگاه عرفانی ایشان، عرفان به مفهوم گوشه‌گیری از جامعه و انزواطلبی نیست؛ بلکه از طریق شرکت در جهاد و رسیدن به درجه رفیع شهادت می‌توان به دیدار قادر متعال دست یافت.

گرچه در حوزه عرفان اسلامی تحقیقات و پژوهش‌های متعددی به انجام رسیده است و مقالات و کتب زیادی در دسترس است، اما در رابطه با موضوع خاص عرفان، تنها در یک مورد پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسط دانشجو *زهرا نجاریپور* با عنوان "بررسی ادبی و عرفانی وصیت‌نامه ۴۰ شهید دفاع مقدس" در دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۹۲ به انجام رسیده است[15]. همچنین بعضی از وصیت‌نامه شهدا به‌صورت موردی تحت عنوان وصیت‌نامه عرفانی در وب‌گاه اینترنتی قرار گرفته است.

از مزایای این پژوهش می‌توان به کشف و شناساندن نکته‌های تربیتی و اخلاقی به‌کاررفته در وصیت‌نامه شهدا در رابطه با بحث عرفان اسلامی به‌طور عام و الگوبرداری شهیدان والامقام از عرفان امام‌خمینی به‌طور خاص اشاره کرد.

## نتیجه‌گیری

وصیت‌نامه‌های شهدا که با شور و حال عارفانه نوشته شده‌اند، چشمه‌های جوشان و پرطراوتی هستندکه تشنگان حقیقت و معرفت را سیراب می‌کنند و از آن روست که رهبر کبیر انقلاب حضرت امام‌خمینی(ره) مطالعه و دقت در این وصیت‌نامه‌ها را سفارش می‌کردند. در این وصیت‌نامه‌ها که در روزهای سخت جنگ تحملیی و عمر کوتاه دنیوی این عزیزان و در اوج اخلاص و وارستگی از دنیا به نگارش درآمده یک جهان سخن و پیام یافت می‌شود.

براساس بررسی‌های انجام‌گرفته در وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس این نتیجه به دست آمد که رزمندگان و شهدای دفاع مقدس، مجاهدانی بزرگ، سالکانی الی الله و فداکارانی مسئولیت‌پذیرند که با لبیک به فرمان رهبر کبیر انقلاب، آگاهانه و عاشقانه با ایثار و ازخودگذشتگی همه هستی خود را در راه حق نثار کردند. چنان در عشق الهی غرق می‌شوند که کمترین دلبستگی به زندگی دنیوی دارند. زاهدان شب و شیران روز، عارفان حقیقی، بی‌ادعا و گمنامی که سنگرهای جبهه جنگ را به جایگاه مناجات‌های عارفانه و مرکز راز و نیاز با معبود خویش بدل ساختند. در برابر دشمن متجاوز تا پای جان مردانه می‌جنگند. بدون این که مراحل دشوار سیر و سلوک عرفانی را با تحمل ریاضت به جا آورند، در کوتاه‌ترین زمان به بالاترین درجه عرفان یعنی محوشدن در ربوبیت حق و لقاءالله رسیدند. به تعبیر دقیق و زیبای پیر خمین یک‌شبه، ره صدساله را می‌پیمایند.

شهدای عارف دفاع مقدس، مصداق واقعی آیه "یحِبُّهُمْ وَ یحِبُّونَهُ" بودند؛ این که خدا آنها را دوست داشت و آنها خدا را دوست داشتند. شهدا از این آزمون الهی سربلند بیرون آمدند و به مقام "عند ربهم یرزقون" رسیدند. کامیابان نیکبختی که به سعادت دنیوی و اخروی رسیدند.

**تشکر و قدردانی:** بدین وسیله از بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان لرستان، ریاست و کارکنان کتابخانه ابوریحان بیرونی و خانواده محترم شهدا و همچنین ویراستار گرامی فصلنامه ایثار که در انجام این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاری می‌کنم.

**تاییدیه اخلاقی:** موردی گزارش نشده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافعی وجود ندارد.

**منابع مالی:** این پژوهش با هزینه شخصی انجام شده است.

## منابع

1- Kiani Haftlang K. The full will of the martyrs; Lorestan Province. 1st Edition. Tehran: Martyrs and Sacrifices Affairs Foundation; 2017. [Persian]

2- Akbari M. The full will of the martyrs; Semnan Province. 1st Edition. Tehran: Martyrs and Sacrifices Affairs Foundation; 2011. [Persian]

3- Tarhaninegad N. The Biography and the will of Lorestan education martyrs. Korramabad: Seifa; 2007. [Persian]

4- Khaledi Khademi N. The full will of the martyrs; Kurdistan Province. Tehran: Martyrs and Sacrifices Affairs Foundation; 2018. [Persian]

5- Taghizadeh Akbari A. The spiritual and cultural factors of holy defense. 1st Edition. Qom: Islamic Research Center; 2001. [Persian]

6- Mesbah Yazdi MT. In search of Islamic Sufism. 1st Edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2016. [Persian]

7- Khomeini R. Imam Sahifah: a collection of works (statements, messages, interviews, sentences, prayers, and letters). Volume 19. Tehran: Imam Khomeini's Works Institute; 2006. [Persian]

8- Amininejad A. Mystical wisdom; interpretation of mysticism by Professor Seyyed Yadollah Yazdanpanah. 1st Edition. Qom; Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2011. [Persian]

9- Sharifi AH. An introduction to true mysticism and false mysticism. Qom: Sahbaye Yaghin; 2009. [Persian]

10- Mazaheri Seif HR. Politics in association with mysticism. 1st Edition. Qom: Boostan-e Ketab; 2009. [Persian]

11- Mansournejad M. A journey in the mystical path of Imam Khomeini [Internet]. Tehran: Navideshahed; 2009 [cited 2019 Apr 30]. Available from: http://navideshahed.com/fa/news/206281/. [Persian]
12- Ebrahimian SH. A glance at spiritual journey of the mistics. 1st Edition. Tehran: Research and Education Institute; 2004. [Persian]
13- Khomeini R. Imam Sahifah: a collection of works (statements, messages, interviews, sentences, prayers, and letters). Volume 16. Tehran: Imam Khomeini's Works Institute; 2006. [Persian]
14- Daneshpajooh M. Alchemy of happiness written by Imam Mohammad Ghazali. Tehran: Ahl-e Ghalam; 2004. [Persian]
15- Najarpour Z. A literal and mystical study of the will of 40 martyrs of holy defense [Dissertation]. Tehran: Alzahra University; 2013. [Persian]